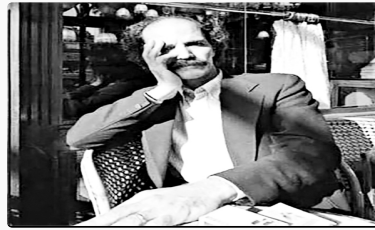
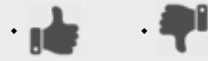




آخرین خبرها | پربازدیدترینها

- پروانه‌های نامرئی که دور عشق می‌چرخند**
- طرح
- صبحانه روسی با خرس قهوه‌ای**
- غول سوئدی در تئاتر رؤیاها**
- دست‌های زنانه‌ای که زندگی را جوش می‌دهد**
- او همه داروها را مریض کرد!**
- گلشیری که می‌نوشت...**
- اجرای حکم شلاق برای کارگران نبوده است**
- پارتی‌های شبانه در سیبل**
- مشکلات معیشتی، معلم را عصبی می‌کند؟**
- حمایت همراه با انتقادهای کارشناسی**
- آثار خالق «یک عاشقانه آرام»، هنوز بی‌جاومکان مانده‌اند**
- اجرای اولین کنسرت آنلاین با همراهی 10 هزار نفر کاربر**
- نگاهی بر فقر و شکاف طبقاتی در ترکیه**
- اوپک سهم ایران را نداد**
- اردوغان مایه خجالت عرب‌های سنی**
- واشنگتن راه خود را از آنکارا جدا کرده است**
- اشتباهات مهلک انتخاباتی کلینتون**
- حمله به پاران امام به بهانه دفاع از راه امام**
- ساز جدایی اصولگرایی کوک می‌شود**
- تعامل حکیمانه با جهان در کنار انقلابی‌گری**
- اتحاد دولت و ملت را به هم نزدیک**
- تخریب یادگار امام ناشی از عصبانیت است**
- آرزوهایی که تجربه می‌شوند**
- طرح
- بزن به چاک ای عاشق وضع موجود**
- نسل پشت میله‌ها**
- بازاریابی با یار مهربان کاغذی**
- جیب‌هایی که از نفس شنی پُر می‌شود**
- مرض مسری شیک‌بودن در پاریس**
- جنگ بیمارستان‌ها را نشانه می‌گیرد**
- سوئیس در جست‌وجوی گردشگران ایرانی**
- چانه‌زنی برای قیمت اوین 40 هکتاری**
- کشف مدرسه و مسجدی کهن در دل قلعه مریوان**
- نگاه پزشکان به جیب مردم برای جبران مالیات**
- آقای تبریزی چرا می‌خواهید خفقان بگیریم؟**
- طبقه متوسط؛ از کشورهای ثروتمند تا ضعیف**
- محیطی امن‌تر از ایران پیدا نمی‌کنید**
- افزایش 800 دلاری هزینه صادرات کالا به عراق**
- چاوری‌ها کشور را به ویرانی کشاندند**
- لاوروف: نیروهای ترکیه از عراق بروند**
- موفقیت‌های سردار سلیمانی عربستانی‌ها را حساس کرده است**
- روابط ترکیه و آلمان زیر تیغ کشتار آرامنه**
- عربستان از کوزوو برای تروریست‌ها نیرو می‌گیرد**
- اختلافات خانوادگی عربستانی‌ها (بخش هشتم)**
- خصومت ایران و آمریکا با برجام حل نمی‌شود**
- برداشت دوباره از حساب امید**

شناسه خبر: 4696 | تاریخ مخابره: 1395/3/16 - 03:04



یادداشتی در شانزدهمین سالگرد نویسنده «شازده احتجاب»

گلشیری که می‌نوشت...

برای کیهان خانجانی

نسخه چاپی

سیدفرزام حسینی . روزنامه‌نگار

نویسنده از آن جنس که هوشنگ گلشیری بود، نمونه‌ای تکین و غیرقابل تکثیر در زمانه ماست، میراثی از جلال آل‌احمد، گفته و ناگفته به گلشیری رسید، البته به گلشیری پس از انقلاب. اما باز هم در نوع خودش گلشیری نمونه‌ای منحصر به فرد بود، کاراکتر اجتماعی و شخصیت کاریزماتیک او، به نوعی با جلال قابل قیاس است اما سیمای نویسنده‌اش در متن، منحصر به خود اوست و لاغیر.

گلشیری تا بود، بر هر ناملایمتی صدای اعتراض را بلند می‌کرد. خواه از سوی قدرت و خواه از سوی جامعه روشنفکری اما اینکه کجا حق با گلشیری بود و کجا نبود، حدیث دیگری است. اما گلشیری اثبات حیات روشنفکری بود بی‌هیچ اغراقی؛ روشنفکر مسئولی که البته اشتباه هم زیاد می‌کند اما پا پس نمی‌کشد و از دشواری‌های زندگی و زمانه‌اش کوتاه نمی‌آید، هر جایی که باید، حضور پیدا می‌کند و حتی جایی که نباید، لب به سخن می‌گشاید و مکرراً خواسته‌های صنفی و ادبی و اجتماعی‌اش را فریاد می‌زند. گلشیری مصلح اجتماعی نبود، نویسنده بود و نویسنده ماند اما مسئولیت روشنفکری‌اش را به روز آخر فرونگذاشت و نخواست صدایی از ادبیات، بی‌صدا شود. شعارزدگی را در داستان نمی‌پسندید و هرگز هم تن به شعارنویسی نداد اما از خواسته‌های شهروندی و صنفی خودش و همراهانش هرگز کوتاه نیامد و اگر کتابی هم به دست چاپ رساند، به شرط چاپ تمام و کمال بود و لاغیر و این قاعده را تا به آخر رعایت کرد. سیمای روشنفکری گلشیری، سیمایی شاید تمام‌شده باشد که دیگر عصر و دوره‌اش گذشته است، نفوذ کلام گلشیری را چه بر همراهان و چه بر مخاطبان، دیگر کسی ندارد و اگر هم داشته باشد، عجیب به نظر می‌رسد، اگرچه هوشنگ گلشیری هیچ وقت نویسنده آسان‌یابی نبود و داستان‌هایش به راحتی و برای هر کسی، قابل خواندن نیستند اما طنین صدایش و نامش شنیدنی بود و حتی آنها که نمی‌خواستند، می‌شنیدند.

نوشتن و نق‌بزدن به دنیای داستانی هوشنگ گلشیری، چه داستان‌های کوتاه‌اش و چه رمان‌هایش، کار این مجال مختصر نیست، بعضی از داستان‌های کوتاه گلشیری از شاخصه‌های داستانی زبان فارسی به شمار می‌آیند و بی‌شک در سطح جهانی حرفی برای گفتن دارند، داستان‌های کوتاه گلشیری - اگر از چندتایی در ایام شباب که تمثیلی بودند، بگذریم- زبان حال جامعه در حال تغییرش بوده‌اند، بی‌آنکه آلوده به شعارزدگی و سطح‌گرایی شوند. در رمان‌نویسی، «شازده احتجاب»‌اش از شاهکارهای تاریخ نه چندان عریض و طویل رمان‌نویسی ماست و اثری است تحسین‌شده. با این همه، بازخوانی آثار گلشیری و دیدن ضعف متون او، از ضرورت‌های زمانه ماست و درواقع ضرورت بازخوانی آثار گلشیری، از تأثیرگذاری و اهمیت‌شان می‌آیند. گلشیری در نوشتن و گفتن پروا نداشت؛ بر همه‌کس و همه‌چیز می‌تاخت، بی‌آنکه خم به ابرو بیاورد اما در آخرین سخنرانی‌اش در اردیبهشت 78، هنگام دریافت جایزه «اریش ماریا رمارک»، هدف از نوشتن و داستان‌نویسی را این‌گونه مطرح کرد: «پس انگار ما، همه ما می‌نویسیم و می‌خوانیم تا آدم‌های گوناگونی بتوانند در کنار هم و با هم بر این کره کوچک اما هنوز زیبا زندگی کنند.» همین و تمام. آخرین پیام نویسنده پس از 40 سال نوشتن، به گمان من همین است و همین تک‌جمله، حرف کمی نیست. حیف بود؛ پیش از آنکه باید، گلشیری از میان ما رفت، سن‌وسال‌ش مجال بود بیشتر می‌داد اما جسم و روحش دیگر نمی‌کشید؛ حمل بار آن حجم از استرس و دغدغه، کار آن جسم رنجور و ذهن خسته نبود، حیف شد. گلشیری که می‌نوشت، جهان جای زیباتری بود.

لینک کوتاه: <http://vaghayedaily.ir/fa/News/4696>

ارسال دیدگاه شما

- دیدگاه های ارسالی، پس از تایید مدیر سایت منتشر خواهد شد.
- پیام هایی که حاوی تهمت یا افترا باشند منتشر نخواهد شد.
- پیام هایی که به غیر از زبان پارسی باشند منتشر نخواهد شد.

نام شما: نام خود را وارد کنید